افق حوزه
• سال بیست و سوم
• شماره ۸۱۷
• دوشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۳
• ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان
Ofogh-e Hawzah Weekly
• صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
• مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه: رضا رستمی
• سردبیر: رمضانعلی عزیزی • با همکاری هیأت تحریریه
• تلفن: ۳۲۹۰۰۵۳۸ • نمابر: ۳۲۹۰۱۵۲۳
• صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱
• نشانی: قم، بلوار جمهوری، کوچه ۲، پلاک ۱۵
• پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir
• پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir
• کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم ۶۵۵۸۶۸۰۱ (۰۲۱)

در محضر نور

امام حسن عسکری علیه‌السلام

أَوْرَعُ النّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبْهَةِ، أَعْبَدُ النّاسِ مَنْ أَقامَ عَلَى الْفرائِضِ، أَزْهَدُ النّاسِ مَنْ تَرَكَ الْحَرامَ، أَشَدُّ النّاسِ إِجْتِهادا مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ.

پارساترین مردم کسی است که در موارد شبهه توقف کند، عابدترین مردم کسی است که در برپایی واجبات استوار باشد، زاهدترین مردم کسی است که حرام را ترک کند و کوشاترین مردم شخصی است که گناهان را رها کند.

بحارالانوار ۷۸: ۳۷۳ ح ۱۸

سخن بزرگان

امام خمینی قدس‌سره

از برای ورع مراتب بسیار است؛ چنانچه ورع عامه اجتناب از کبائر است و ورع خاصه اجتناب از مشتبهات است برای خوف از وقوع در محرمات و ورع اهل زهد اجتناب از مباهات است برای احتراز از وزر آن و ورع اهل سلوک ترک نظر به دنیاست برای وصول به مقامات و ورع مجذوبین ترک مقامات است برای وصول به باب‌الله و شهود جمال‌الله و ورع اولیا اجتناب از توجه به غایات است.

شرح چهل حدیث، ص۴۷۴

ناگفته‌های عالم برجسته اهل‌سنت از سید مقاومت

شهید سیدحسن نصرالله نماینده اسلام واقعی بود

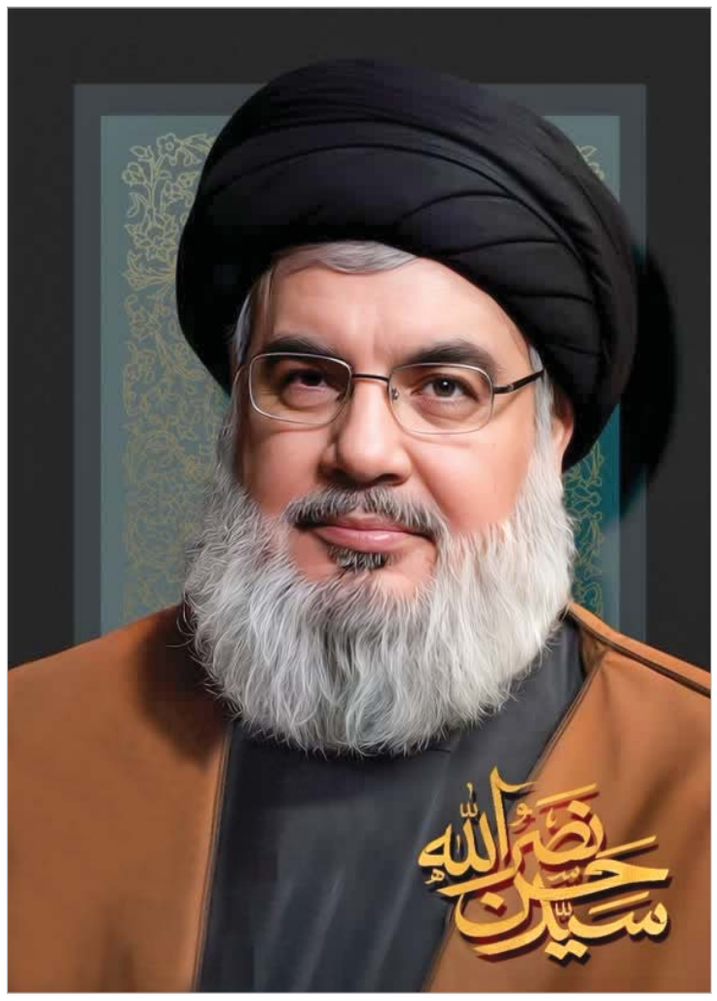

شیخ غازی یوسف حنینه تصریح کرد: شهید سیدحسن نصرالله نماینده اسلام بود و اسلامی را نمایندگی می‌کرد که سراسر عظمت، تمدن، توسعه، ترقی و شکوفایی است. ما معتقدیم هرکس دبیرکل حزب‌الله شود، همه مطیع او هستند، اوامر او را اطاعت می‌کنند و پای‌بند به خط و مشی او هستند. همگی راه او را که به آن متعهد هستیم، ادامه خواهند داد.

شیخ غازی یوسف حنینه، رئیس هیئت امنای تجمع علمای مسلمین لبنان، در زمان حضورش در قم، خبرگزاری حوزه با وی درباره ابعاد شخصیتی سید مقاومت و حملات ناجوانمردانه رژیم صهیونیستی به لبنان گفت‌وگو کرده که در ادامه آن را می‌خوانید.

▫ درباره تجمع علمای مسلمین لبنان توضیح می‌دهید؟

• سلام بر شما، ابتدا این عزا و این اتفاق دردآور را که قلب‌های مؤمنان، صادقات و پیروان ثابت‌قدم خط مقاومت، پیروان خط فلسطین و وحدت امت اسلامی را به درد آورد، تسلیت می‌گویم.

تجمع علمای مسلمین لبنان سال ۱۹۸۲ تشکیل شده و اکنون چهل و دومین سال خود را پشت سر می‌گذارد. در آن روز کنفرانس روز مستضعفین در تهران در حال برگزاری بود که هجوم صهیونیست‌ها به لبنان رخ داد و در نتیجه آن، جمعی از علمای مسلمان اعم از سنی و شیعه دعوت حق را لبیک گفتند. موضوع آن به امام خمینی رحمه‌الله ارائه شد و ایشان آن جماعت را تشویق نموده و به تلاش برای اتحاد امت اسلامی دعوت کردند. کار اجتماع علمای مسلمان به‌تناسب تحولاتی که در لبنان و منطقه رخ می‌داد، تغییر می‌کرد.

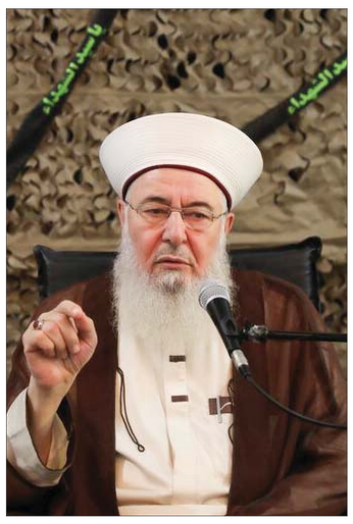

فلسطین برایش یک مسئله مهم بود؛ یعنی تنها یک مسئله سیاسی نبود و آن‌قدر این مسئله ریشه در ایمان و دین او داشت که اصلاً درک آن دور از ذهن است. او از یک عنوان مذهبی به‌معنای انسانی فاصله داشت و به‌همان اندازه که به مسجدالاقصی علاقه داشت، به مسیحیت فلسطین نیز علاقه‌مند بود و همان مقدار که نسبت به مسلمانان فلسطین حساس بود، نسبت به مسیحیان فلسطین نیز علاقه‌مند بود.

کار انجمن علمای مسلمان در آن مرحله، همچنان در حال پیگیری بود. انجمن علمای مسلمان به‌صورت دقیق و روزانه موضوع فلسطین را پیگیری می‌کرد. مهم‌ترین هدف آن نیز، برای اتحاد امت اسلامی و مقابله با تفکرات افراطی تروریستی و تکفیری وهابی بود. حقیقت این است که محفل روزانه الحمدلله به ۳۴۰ نفر از علما از تمام سرزمین‌های لبنان از شمال تا جنوب و از بیروت تا استان جبل و تا استان بقاع رسید که شامل علمای شیعه و سنی ساکن لبنان اعم از علمای لبنانی، فلسطینی و سوری‌های مقیم اراضی لبنان و علمای فلسطینی مقیم خاک لبنان بودند، می‌شدند.

علما بر اساس اهداف این اجتماع که حول محور وحدت اسلامی با حمایت از مقاومت به‌عنوان تنها راه بازگرداندن فلسطین و بازگشت ملت فلسطین به سرزمین‌شان و تشکیل دولت مستقل فلسطینی بود که در آن مسلمانان، مسیحیان و یهودیان فلسطینی غیر از یهودیانی که امروز در آن زندگی می‌کنند، در امنیت و آرامش به زندگی خود بپردازند. موضوع دیگر، مقابله با تروریسم و درگیری‌های داخلی بود که از سوی تکفیری‌ها رقم می‌خورد.

تجمع علمای مسلمین لبنان الحمدلله برای مناسبت‌های مذهبی- اسلامی فعالیت‌هایی انجام می‌دهد؛ مثلاً ایام عاشورا، نیمه شعبان، هفته وحدت اسلامی، ولادت رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و روز آزادسازی، برنامه‌های ویژه‌ای دارند. یعنی مناسبت‌های بسیاری برای برگزاری گردهمایی علمای مسلمان وجود دارد که در این مناسبت‌ها، فعالیت‌ها، سمینارها و سخنرانی‌هایی در مرکز اصلی آن یعنی در بیروت برگزار می‌شود.

الحمدلله علمایی که در سراسر سرزمین‌های لبنان پراکنده شده‌اند، برای این عناوین با همه احزاب، نیروها و انجمن‌هایی که ما با آنها موافقیم، همکاری می‌کنند. البته هر کدام با توجه به تخصصشان این فعالیت‌ها را دنبال می‌کنند. گردهمایی علمای مسلمان در راستای سیاست‌های کلی با توجه به وضعیت داخلی لبنان برای وحدت سرزمین‌های لبنان، اتحاد مردم لبنان، دفاع از لبنان در برابر حملات اسرائیل، حمایت از مقاومت و ارتش لبنان در مقابل صهیونیسم فعالیت می‌کند. بنابراین، این‌ها بارزترین چیزهایی است که می‌توانیم، خلاصه‌ای از آن را به‌عنوان بخشی از پروژه اجتماع علمای مسلمان عنوان کنیم.

▫ نقش سیدحسن نصرالله در لبنان چگونه بود؟

• خداوند متعال جناب شهید سیدحسن نصرالله رحمه‌الله را رحمت کند و او را در بهشت ابدی در فردوس اعلی با پیامبران، صدیقان، شهدا، صالحان و نیکوکاران همنشین گرداند که بهترین هم‌نشینانند. سیدحسن نیمی از عمر خود را در حزب‌الله سپری کرد و در سن سی و دو سالگی این مسئولیت را بر عهده گرفت. او در جوانی وارد این عرصه شد و تا زمان شهادت در این عرصه حضور داشت.

جناب سید، حزب‌الله را از حالت سنتی خارج کرد و به‌صورت نهادهایی درآورد که امروز این نهادها به‌نام مقاومت در لبنان شناخته می‌شوند. همچنین نهادهای دیگری در زمینه‌های مختلف مثل تربیتی، فرهنگی، بهداشتی، امدادی، رسانه‌ای، امنیتی، فناوری و تکنولوژی و...

من به‌طور خاص می‌گویم که حزب‌الله یک حزب سنتی مانند سایر احزاب نیست؛ یعنی این‌طور نیست که اگر رهبر آن از دنیا برود، وضعیت آن یک‌شبه تغییر کند؛ بلکه اسلحه از دوش یک نفر به شانه یک نفر دیگر منتقل می‌گردد. حزب‌الله برای هر یک از اعضای خود، نهادهایی دارد که همگی اندیشه شهید سیدحسن رحمه‌الله را دنبال می‌کنند؛ به‌نحوی که پس از شهادت ایشان، می‌بینیم که سرعت عملیات نظامی حتی در ساعاتی که صهیونیست‌ها ساختمان‌هایی را که در آنها حضور داشتند، بمباران می‌کردند، مقاومت متوقف نشد و هنگام مراسم ترحیم شهید سیدحسن نصرالله رحمه‌الله، موشک‌ها از لبنان به عمق رژیم صهیونیستی تا اعماق فلسطین اشغالی پرتاب می‌شد. امروز هم، همچنان موشک‌ها با تعداد بیشتر در حال پرتاب است.

ما معتقدیم هرکس در مقام دبیرکلی در حزب‌الله لبنان باشد، همه مطیع او هستند، همه اوامر او را اطاعت می‌کنند و همه پای‌بند به خط و مشی او هستند. همگی راه او را که همه ما به آن متعهد هستیم، ادامه خواهند داد.

سیدحسن نصرالله نماینده اسلام است و آن اسلام را، شهید سعادتمند سیدحسن نصرالله رحمه‌الله نمایندگی می‌کند. اسلام سراسر عظمت، تمدن، توسعه و ترقی و شکوفایی است. این همان اسلامی است که آمریکا نمی‌خواهد. آمریکا به دنبال اسلام ذلیل و مطیع؛ اسلامی که شما نماز بخوانید، روزه بگیرید، زکات بدهید، حج بگزارید؛ اما زمام امورتان را به دست انسان شیطان‌پرست بسپارید. این اسلام را امام خمینی رحمه‌الله رد کرد؛ بنابراین سیدعباس موسوی شهید شد و دکتر فتحی الشقاقی، اسماعیل هنیه، عماد مغنیه، حاج فؤاد شکر، حاج محسن، حاج شیخ نبیل القاووق همگی، در مسیر تحقق چنین اسلامی به شهادت رسیدند.

این اسلامی است که برای آن کار می‌کنیم و آنچه را که خدای متعال به ما عطا کرده، تقدیم اسلام می‌کنیم تا این اسلام عزت خود را حفظ کند و عزت و سربلندی آن بماند.

▫ واکنش‌ها و موضع‌گیری‌های دولت‌ها و کشورهای عربی در خصوص مسئله لبنان و فلسطین چگونه بوده است؟

• حکومت‌ها، ممالک، شیخ‌نشین‌ها و ریاست‌های عربی و اسلامی، در این مدت یک‌سال از هفتم اکتبر که هنوز این جنگ ادامه دارد، با وجود حملات وحشیانه صهیونیست‌ها به غزه و لبنان و حملاتی هم که از سوی متحدان صهیونیست‌ها علیه یمن وجود دارد، هنوز سکوت کرده‌اند.

البته ما در بین مردمان این دولت‌ها، پادشاهی‌ها، شیخ‌نشین‌ها و ریاست‌های عربی و اسلامی، اقشار و گروه‌های زیادی را می‌بینیم که به خط مقاومت وفادار هستند؛ یعنی از جبهه مقاومت حمایت می‌کنند. نهادهای مردمی، انجمن‌ها، احزاب و نیروهایی در کشورهای عربی و اسلامی هستند که از مردم لبنان و غزه حمایت می‌کنند. آنها به دنبال شهادت جناب سیدحسن نصرالله رحمه‌الله هم، بسیار غمگین شدند.

البته تأکید می‌کنم که ما قرار نیست، با مقامات آن کشورها باب درگیری‌های خیالی را بگشاییم؛ زیرا این کار به‌نفع ما نیست و ما را به نتیجه نمی‌رساند. ایجاد این درگیری، همان هدفی است که دشمن آمریکایی می‌خواهد به آن برسد تا ما را از نبرد اصلی با دشمن صهیونیستی منحرف کند.

ما تسلیم شدن و سر فرود آوردن در برابر آمریکا را نخواهیم پذیرفت؛ زیرا آمریکا می‌خواهد به ما بگوید، اکنون دوران اسلام شما نیست و دوره اسلام من؛ یعنی اسلام آمریکایی است. حضرت امام خامنه‌ای نیز، به‌همین دلیل فرمودند که ما سنی آمریکایی و شیعه انگلیسی را نمی‌خواهیم.

بنابراین آمریکا خود برای ما اسلامی ساخته است و روی آن کار کرده و واعظان، خطبا، ائمه جماعات، مبلغان، قاضیان و مفتیانی نیز با منطق، گویش و فرهنگ آمریکایی فعالیت کنند. آنها حتی مایل هستند که ما هم یکی از اینها باشیم؛ ولی ما همان‌طور که امام حسین علیه‌السلام فرمودند، می‌گوییم که هان! این حرامزاده پسر حرامزاده، مرا میان دو چیز مخیر کرده است: میان شمشیر و تن دادن به خواری و هیهات که ما تن به ذلّت و خواری دهیم.

خدا، رسول او و مؤمنان و دامن‌های پاک و مطهّری که ما در آن پرورش یافته‌ایم و دل‌های غیرتمند و جان‌های بزرگمنش، این را بر ما نمی‌پذیرند که فرمانبری از فرومایگان را بر مرگ شرافتمندانه ترجیح دهیم.

▫ تلاش‌های شهید نصرالله برای متحد کردن مردم لبنان را چگونه تحلیل می‌کنید؟

• وقتی انسان از جناب شهید سیدحسن نصرالله صحبت می‌کند، باید به آن سمتی از حقیقت که مربوط به عمق تفکر سید است، نگاه کند. وقتی سیدحسن نصرالله از وحدت حرف می‌زند، او از سر تا پا با کل وجود یک شیعه وحدت‌گرا بود و در ابتدا با آرزوی وحدت و اتحاد شیعیان و وحدت کلمه شیعه در میان آنها و رفع پراکندگی آرای شیعه تلاش می‌نمود؛ زیرا وحدت کلمه شیعه، مقدمه‌ای برای وحدت کلمه بین اهل‌سنت و شیعه است. به‌اندازه‌ای که شیعیان را با هم متحد کنید، می‌توانید سنی‌ها را هم با آنها متحد سازید.

همچنین نسبت به وحدت اسلامی بین اهل‌سنت و شیعه بسیار علاقه‌مند بودند و در مورد هر کلمه یا جزئیات منفی که به مسیر وحدت لطمه می‌زد، بسیار سخت‌گیر بودند که شاید از این موضوع تعجب کنید.

سیدحسن نصرالله در خصوص تجمع علمای مسلمان که شامل علمای اهل‌سنت و شیعه است، همواره مشتاق، پشتیبان و هدایت‌گر بود. او همواره با ما مکاتبه می‌کرد و بر نقش علمای اهل‌سنت در این اجتماع تأکید می‌نمود و بیان می‌کرد که استواری و استمرار خط مقاومت و ثبات وحدت از جانب برادران اهل‌سنت، برای ما کافی است.

سید نسبت به وحدت ملی نیز بین مسلمانان و مسیحیان نیز، بسیار حساس بود. این یکپارچگی خیلی از حقوق حزب را از نظر قدرت تضییع می‌کرد. این امتیاز از روی ضعف نبود؛ بلکه از روی غیرت نسبت به همه معانی وحدت بین شیعه-شیعه و وحدت سنی-شیعه و همچنین وحدت مسیحی-اسلامی بود؛ چون دید که پروژه ما بزرگتر از این حرف‌هاست که وزیر اینجا باشد یا معاون آنجا و یا استاندار اینجا باشد و افسر آنجا و یا سفیر اینجا باشد و مدیرکل آنجا؛ چون آرمان ما بزرگتر است.

▫ خاطراتی از خودتان و سیدحسن نصرالله را برای ما روایت می‌کنید؟

• از مجموع اینها برای شما یک اتفاقی را که بین ما و سید رخ داد، در مجلسی که جمعی از علمای اهل‌سنت در آن بودیم و سید صحبت می‌کرد، برای‌تان نقل می‌کنم. سخن سید این بود که چرا برای از بین بردن پراکندگی اهل‌سنت کار نمی‌کنید؟ او به حق سخنانی را بیان نمود و نتیجه‌اش این بود که «شما، دور هم جمع شوید؛ حتی با یک فنجان چای؛ درباره اخبار خود با یکدیگر صحبت و سپس به خدای متعال توکل کنید.»

خدا سید را بیامرزد، فلسطین برایش یک مسئله مهم بود؛ یعنی تنها یک مسئله سیاسی نبود و آن‌قدر این مسئله ریشه در ایمان و دین او داشت که اصلاً درک آن دور از ذهن است. او از یک عنوان مذهبی به‌معنای انسانی فاصله داشت و به‌همان اندازه که به مسجدالاقصی علاقه داشت، به مسیحیت فلسطین نیز علاقه‌مند بود و همان مقدار که نسبت به مسلمانان فلسطین حساس بود، نسبت به مسیحیان فلسطین نیز علاقه‌مند بود.

واقعه‌ای را برای‌تان روایت می‌کنم که این روایت را یکی از رهبران اخوان المسلمین در لبنان برای من مستقیماً نقل کرده است. او گفت کسی که رئیس‌جمهور بشار اسد را نسبت به حماس و خالد مشعل قانع کرد، سیدحسن نصرالله بود. روزی که رئیس جمهور بشار اسد ریاست جمهوری را بر عهده گرفت، با سیدحسن نصرالله تماس گرفت و گفت: «امیدوارم که افتخار دیدار بدهید.» البته آن روزها زمینه برای سید فراهم بود که رفت و آمد نماید.

پس به سمت دمشق حرکت کرد و جلسه سه ساعت و نیم ادامه یافت. سید درباره حماس، عمق حماس، اندیشه‌های حماس، توانایی‌های حماس، ابعاد حماس و گسترش حماس به‌عنوان یک تشکیلات برادرانه در جهان صحبت کردند. در نهایت این جلسه، با قانع شدن رئیس‌جمهور بشار اسد به پایان رسید و بعدها دیدیم، آنچه را که بین سوریه و حماس بعد از ۲۰۱۱ اتفاق افتاد و وضعیت تغییر کرد.

عطر یار

نرگس چشم انتظاری

قیصر امین پور

از نو شکفت نرگس چشم انتظاری‌ام
گل کرد خارخار شب بی‌قراری‌ام
تا شد هزار پاره دل از یک نگاه تو
دیدم هزار چشم در آیینه‌کاری‌ام
گر من به شوق دیدنت از خویش می‌روم
از خویش می‌روم که تو با خود بیاری‌ام
بود و نبود من همه از دست رفته است
باری مگر تو دست برآری به یاری‌ام
کاری به کار غیر ندارم که عاقبت
مرهم نهاد نام تو بر زخم کاری‌ام
تا ساحل قرار تو چون موج بی‌قرار
با رود رو به سوی تو دارم که جاری‌ام
با ناخنم به سنگ نوشتم: بیا، بیا
زان پیشتر که پاک شود یادگاری‌ام

یادداشت

تناسب نیرو و نیاز

استاد جواد محدثی

مواقعی پیش می‌آید که ما برای انجام کاری، فرد مناسب یا افراد لازم در اختیار نداریم. این کمبود، در موارد تبلیغی و جهاد تبیین و عرصه خارج از کشور محسوس‌تر است.

به استاد گفتم: برای حلّ این مشکل چه باید کرد؟ و از حوزه چه کاری ساخته است؟

استاد گفت: از نکات کلیدی در هر مدیریتی، از جمله مدیریت تبلیغات دینی و انقلابی، شناخت نیاز، سپس شناخت نیروی کارآمد یا تربیت نیرو و کادر مناسب برای آن کار است و در مرحله سوم، استفاده از آن نیروها برای دفع این نیازها.

گفتم: در رابطه با مشکل مطرح‌شده، بیشتر و مصداقی‌تر بگویید.

استاد گفت: برنامه‌ریزی‌های درسی، آموزشی و مهارتی ما، هم باید ناظر به نیازهای فصلی باشد و هم نیازهای آینده. مثلاً الآن مجموعه‌های بزرگی از مؤمنین در مساجد، حسینیه‌ها، هیئت‌ها و جلسات دینی در اختیار ما هستند و پای حجت‌های ما می‌نشینند. این‌ها مخاطبان فعلی و موجودند؛ ولی قشر عظیمی از جامعه ما که کودکان و نوجوانانند و به-تعبیر رایج، آینده‌سازان کشور به‌شمار می‌آیند، برای آنان هم باید فکر کرد و برنامه داشت.

گفتم: ما همین مؤمنین موجود را حفظ کنیم، هنر کرده‌ایم!

استاد گفت: این نگاه، همت پایین را می‌رساند. وقتی دشمنان ما برای آینده حتی روی بچه‌های ما در مهد کودک‌ها برنامه دارند و فکر و فرهنگ‌شان را طبق اهداف خودشان می‌سازند، ما نباید از این مسأله غافل باشیم. نیاز ما تربیت نسل حاضر با سبک زندگی اسلامی است. چه مقدار نیروی کارشناس و ماهر داریم که بتوانند، چنین آموزش‌هایی بدهند؟

گفتم: تازه اگر هم داشته باشیم، مگر جامعه و افکارشان دست ماست؟

استاد گفت: احسنت؛ باید سکوها، پایگاه‌ها و مراکز فرهنگ‌ساز را هم در اختیار داشته باشیم. آموزش و پرورش، رسانه‌ها، هنر، کتاب و مطبوعات، جزو این پایگاه‌هایند و ارتباط و حضور بسیار کارساز است.

کانال هفته‌نامه افق حوزه
در پیام‌رسان‌های
سروش و ایتا
@ofogh_howzah